

سالی کلارک

مو

(نمایش نامہ)

ترجمہ

نازنین میهن



شخصیت‌ها

شوهر مو	هری پارکر
خواهر بزرگ مو	سارا مک‌داول
خواهر مو	دیتی مک‌داول
پدر مو	آقای مک‌داول
مادر مو	خانم مک‌داول
زن دوم هری	مادگورملی
	پرستار/کارمند پذیرش
	دکتر
پسر مو	دوگال
زن سوم هری	پتسی
شوهر سارا	چارلی
دختر سارا	جین
دختر جین	سوزان
دوست پسر مو	والی
	کارگر آسایشگاه

مرد: شیده برونه هری؟ (به پندرونی) چقدر حینب که آداما
این جوری می شن

مرد: بیان دوشیره پلرک. من مطمئنم این جا هم مثل خونهای
خبره تون احساسی راحت می کنه. (به طرف دیگر
راهنای آن می کنه)

مرد: چی کار می کنی؟ مری. داره چی کار می کنه؟
مرد: داره می بردت.

مرد: تو مانده نمی آیی؟ من این خرام خورم تو نهایی بیستم

پرده اول، صحنه ۱

مردی ایستاده و تفنگی در دست دارد. زنی وارد می شود،
می ایستد، به مرد خیره می شود. مرد تفنگ را به سمت زن نشانه
می رود و شلیک می کند. تاریکی.

مو شبیه تونه هری؟ (به پذیرش) چقدر حیف که آدما
 این جوری می شن.
 دکتر بیاین دوشیزه پارکر. من مطمئنم این جا هم مثل خون‌هی
 خودتون احساس راحتی می کنید. (به طرف دیگر
 راهنمای اش می کند.)
 مو چی کار می کنی؟ هری، داره چی کار می کنه؟
 هری داره می بردت.
 مو تو مگه نمی آی؟ من نمی خوام خواهرتو تنهایی ببینم.
 چی بهش بگم؟
 هری خداحافظ، مو.
 مو هری! (به دکتر) این قدر بهم نجسب. (به سمت هری می دود.)
 هری! جریان چیه؟
 دکتر می دونستم این جوری می شه. باید از قبل آماده اش
 می کردین.
 هری تو قراره یه مدتی این جا بمونی، مو.
 مو چی!
 کارمند پذیرش بعله، دوشیزه پارکر.
 مو خانم پارکر.
 دکتر دوشیزه پارکر، شما مقداری استراحت لازم دارین. دکتر
 سوان رو یادتون هست؟
 مو معلومه که یادمه.
 دکتر ازش خوش تون می اومد؟
 مو آدم خوبیه. چرا می پرسی؟
 دکتر خب، اون توصیه کرد که شما مدتی این جا استراحت

پرده‌ی اول، صحنه‌ی ۲

سیاتل. هزار و نهصد و بیست و پنج. تیمارستان. میز پذیرش.

هری (به دکتر) همون طوری که گفتم من خیلی نگرانشم. با دکتر
 سوان مشورت کردم و هر دومون به این نتیجه رسیدیم
 که بهتره به طور آزمایشی یه ماهی رو این جا بمونه.
 مو (به کارمند پذیرش) اومدیم ملاقات خواهرش. هیچ وقت
 ندیدمش. هری هیچ وقت نمی خواست من ببینمش.
 نمی خواد ناراحت شم.
 دکتر آقای پارکر، لطفاً این جا رو امضا کنید.
 مو چرا امضا کنی، هری؟ مگه قراره مرخص شه؟ با ما
 نمی تونه زندگی کنه، هری. (به کارمند پذیرش) اون
 نمی تونه پیش ما بمونه. من گفتم فقط می بینمش اما
 نمی خوام با خودمون خونه ببریمش.
 هری (به سختی می خندد.) توهمات.